

بازشناسی ساختار مباحث توحید در کلام امامیه

m.tamhid@chmail.ir

haghoo@whc.ir

عبدالکریم بهجت‌پور / دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
 محمدمیتیم حقگو / دکتری مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱

چکیده

متکلمان امامیه با توجه به جایگاه ویژه مبحث «توحید»، همواره با عنایت خاصی به این بحث پرداخته‌اند. گستردگی مباحث توحید، و چالش مستمر امامیه با اندیشه‌های دینی و فرقه‌ای رقیب، موجب شده است تا موقعیت طرح این بحث و شیوه ساختاربندی آن از اهمیت بسزایی برخوردار گردد. هدف دانش کلام در دو ساحت «آموزش» و «دفاع از معتقدات» خلاصه می‌شود. در این دو ساحت، خوش ساخت بودن مطالب به لحاظ جامعیت، مانعیت و رعایت ضوابط منطقی تقسیم، جایگاه ویژه‌ای دارد. بدین لحاظ، در این مقاله با روش «کتابخانه‌ای» و «تحلیلی»، ساختار شمار قابل توجهی از آثار کلامی امامیه، در دو بخش «ثبوتی یا سلبی بودن توحید» و «مراتب توحید» بررسی شده است. در نتیجه این تحقیق، روشن می‌شود که اصطلاح «توحید» دارای چند معنای متفاوت بوده است؛ ساختار مباحث توحیدی، همواره در حال تطور و تکامل بوده و ساختارهای متنوعی ارائه شده است. در این ساختارها، گاه برخی مراتب توحید مغفول واقع شده و گاه مقتضیات منطقی تقسیم رعایت نشده است. ساختار پیشنهادی، تلاش شده است تا ضمن توجه به مراتب توحید، سازمان منطقی نیز رعایت شود.

کلیدواژه‌ها: ساختار، کلام امامیه، توحید، توحید نظری، ثبوتی، سلبی، مراتب توحید.

معارف اسلامی در متون دینی (کتاب و سنت) به صورت پراکنده و در ضمن مباحث گوناگون وارد شده است. یکی از اهداف مهم و پیچیده علم کلام این است که علاوه بر مباحث محتوایی، ساختار و نظام‌واره این معارف را نیز تدوین کند؛ بدین معنا که آن معارف را پس از استخراج و توضیح، با یکدیگر هماهنگ سازد و در یک منظومه منسجم گرد آورد، به صورتی که اولاً، جایگاه هر بحث - به لحاظ اصلی یا فرعی بودن و نیز نحوه تبویب و عنوان‌بندی و جانمایی مناسب برای هر آموزه - روشن شود. ثانیاً، ربط و نسبت مجموعه مباحث با یکدیگر مشخص گردد. ثالثاً، از انسجامی برخوردار باشد که هیچ‌گونه تعارضی میان اجزای آن نباشد.

در این زمینه، مبحث «توحید» یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین مباحث کلامی است که با توجه به مراتب متنوع توحید، چگونگی ساختار آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بررسی این مسئله که متکلمان امامیه ساختار مباحث توحید را چگونه و بر چه اساس پی‌ریزی کرده‌اند، لازم است این موارد مطالعه و ارزیابی شود: عنوان استفاده شده در طرح مباحث؛ موقعیت نسبت به سایر مباحث؛ سبک چینش مطالب؛ و تأثیر هدف‌گذاری‌ها در نحوه ساختاربندی. بدین منظور، حدود ۷۰ اثر از ۴۰ اندیشمند امامی‌مذهب، با رویکرد سیر تاریخی آثار، مطالعه و فیش‌برداری شد. تلاش نگارنده بر این بوده است تا با یک تتبع نسبتاً جامع در آثار امامیه، گستردگی و تنوع ساختار مزبور را شناسایی کند، و با توجه به اهداف دانش کلام، یک ساختار جدید و منسجم پیشنهاد نماید. قابل ذکر است که هرچند در تمام آثار کلامی ساختار مباحث به صورت عملی سامان یافته است، اما با رویکرد فلسفه‌دانشی، به این مقوله توجه چندانی نشده و بدین‌روی، تحقیق مشابهی در این زمینه ارائه نشده است. البته نتایج مذکور در این مقاله، در حیطه آثار مورد بررسی صادق است.

مفهوم‌شناسی «توحید»

الف. معنای لغوی «توحید»

«توحید» مصدر باب «تفعیل» و از ریشه «وحد» است. «وحد» اصل واحدی است که بر انفراد دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶ ص ۹۰) و در عین‌العمل ماضی ثلاثی مجرد، هر سه حرکت استعمال شده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۵۰؛ ابن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۸۱). یکی از معانی باب تفعیل، «نسبت دادن مبدأ اشتقاق فعل به مفعول» و به عبارت دیگر، «کسی یا چیزی را دارای وصفی دانستن» است (استرآبادی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۹۲ و ۹۴؛ نیشابوری، ۱۳۹۲، ص ۱۴۱). برای مثال، «تعظیم» به معنای بزرگ دانستن (کسی یا چیزی)، و «تکفیر» به معنای کافر شمردن (شخصی) است. بر این اساس، یکی از معانی مهم و پرکاربرد «توحید»، «یکی دانستن و یکتا شمردن» است. هرگاه این واژه درباره خداوند به کار رود به معنای «اعتقاد به یگانگی خداوند، اقرار و ایمان به وحدانیت خداوند و یکتاپرستی» است (ر.ک: مدخل «توحید» در: دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۱۵؛ معین، ۱۳۸۶؛ عمید، ۱۳۸۹؛ خدایپرستی، ۱۳۷۶). ظاهراً فراوانی استعمال توحید در معنای مزبور، سبب شده است تا در بسیاری از کتاب‌های لغت، واژه «توحید» به‌طور مطلق (و بدون اضافه به الله) به «یکتاپرستی و نفی شریک» ترجمه شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۸۰؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۵ ص ۱۲۴؛ ابن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۸۱؛ ابن‌سبیده، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۴۸۸).

«توحید» معانی دیگری نیز دارد؛ از جمله: «یکی کردن و یگانه گردانیدن» که لغت‌شناسان متعددی مطرح کرده‌اند (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۷۷؛ کبیر مدنی، ۱۳۸۴، ج ۶ ص ۳۰۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۹۷؛ ابراهیم آنسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۲۷). در عربی معاصر، معانی متناظر دیگری مثل «ترکیب، استاندارد سازی، منظم سازی، تنظیم، ادغام، پیوند دادن، ملحق ساختن و متحد کردن»، و ترکیب‌هایی نظیر «توحید الادیون» (ادغام وام‌ها)، «توحید الزوجه» (تک‌همسری)، «توحید الکلمه» (اتحاد) و «توحید المتوجات» (استاندارد سازی فرآورده‌های صنعتی) نیز مطرح شده است (آذرنوش، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹۰-۱۱۸۹).

ب. تعریف اصطلاحی «توحید»

باید توجه داشت که در تاریخ علم کلام، اصطلاح «توحید» در معانی متفاوتی به کار رفته است. پس این تصور که منظور از «توحید» در علم کلام، همواره موضوع «یکتایی و بی‌هماندی» خداوند بوده، نادرست است.

معنای اول توحید: عقاید بنیادین اسلام

از نخستین عقاید مکتوب در زمینه توحید، که اکنون در دست ماست، نظرات/بوحنیفه (ف. ۱۵۰ ق) است. توحید در نظر/بوحنیفه، شامل همه عقاید صحیح اسلامی است که یک مسلمان باید به آنها ایمان داشته باشد (مغیساوی، ۱۹۸۰). ماتریدی (ف. ۳۳۳ ق) در کتاب *التوحید*، تقریباً همه عقاید اسلامی در عصر خود را «توحید» نامیده است. او حتی موضوعاتی همچون «ابطال تقلید و وجوب معرفت دین با دلیل»، «ضرورت بعثت انبیا» و «معنای اسلام» را در زمره مسائل توحید دانسته است (ماتریدی، ۱۴۲۷ق، فهرست). متکلمانی که دانش کلام را با عنوان «علم التوحید و الصفات» معرفی کرده‌اند نیز به همین معنا توجه داشته‌اند (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۲؛ تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۲۹؛ خاتمی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۵).

معنای دوم توحید: عقاید مربوط به خداشناسی

شیخ صدوق (ف. ۳۸۱ ق) در *الإعتقادات*، «توحید» را در معنایی که شامل همه معارف خداشناسی است به کار برده است (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲-۲۱). همچنین وی در مقدمه کتاب *التوحید*، دفع تهمت‌های علیه شیعه در زمینه تشبیه و جبر را انگیزه خود از تألیف کتاب عنوان کرده، و احادیث مرتبط با مباحث خداشناسی را ذیل عنوان کلی «التوحید» گردآوری نموده است (صدوق، ۱۳۹۸ق، فهرست کتاب و ص ۱۷ و ۱۸). *ابن‌منده* (ف. ۳۹۵ ق) نیز در سراسر کتاب خود، مباحث اسما و صفات خداوند را «توحید» می‌نامد و بدون استفاده از استدلال‌های عقلی، و با استناد به آیات و احادیث، آنها را معنا می‌کند (ابن‌منده، ۱۴۲۳ق).

قاضی *عبدالجبار معتزلی* (ف. ۴۱۵ ق) «توحید» را شامل پنج باب می‌داند: اثبات راه خداشناسی؛ پدیده‌ها باید پدیدآورنده‌ای داشته باشند؛ صفاتی که این پدیدآورنده ذاتاً و وجوباً شایسته آن است؛ صفاتی که در همه یا بعض حالات باید از او نفی شود؛ او در این صفات بی‌همتاست و شریکی ندارد (قاضی عبدالجبار، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۲۶؛ ر.ک: همو، ۱۴۲۲ق، فهرست).

اشعری نیز در *مقالات الإسلامیین*، پس از آنکه عقاید اثباتی و تنزیه‌ی معتزله در باب خداشناسی را برمی‌شمرد، می‌نویسد: این مجمل‌گفتار معتزله در توحید است که خوارج و گروه‌هایی از شیعه در این عقاید، با آنها شریک هستند (اشعری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۵۶).

شیخ طوسی (ف. ۴۶۰ق) و ابوالحسن حلبی (ف. قرن ۶ق) نیز توحید را شامل همه مباحث خداشناسی دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۶ق، ص ۴۲؛ حلبی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴).

برخی دیگر از متکلمان همچون سید مرتضی علم‌الهدی (ف. ۴۳۶ق)، ابوالصلاح حلبی (ف. ۴۴۷ق)، محقق طوسی (ف. ۶۷۲ق)، محقق حلی (ف. ۶۷۶ق) و فاضل مقداد (ف. ۸۷۶ق) اصطلاح «توحید» را در مباحث خداشناسی به کار برده‌اند؛ اما بحث «عدل» را در باب جداگانه‌ای مطرح نموده‌اند (شریف مرتضی، ۱۳۸۷ق، ص ۳۱ - ۲۹؛ حلبی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳؛ سیوری، ۱۴۲۰ق، ص ۴۹؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷؛ سیوری، ۱۴۰۵ق، ص ۱۷۶). در این کاربرد، «توحید» به عنوان یکی از اصول پنج‌گانه اعتقادی (اصول دین) لحاظ می‌شود (خواجگی شیرازی، ۱۳۷۵، ص ۷۷). حتی در کلام معاصر نیز وقتی توحید، قسیم اصول و فروع اعتقادی قرار می‌گیرد، همین معنا مد نظر است.

بنابراین، ملاحظه می‌شود که بسیاری از مؤلفان امامیه با لحاظ اصطلاح دوم «توحید» (یعنی مجموعه مباحث خداشناسی)، مباحث اعتقادی خود را منطبق با اصول پنج‌گانه دین و مذهب تدوین کرده‌اند، هرچند برخی از ایشان مباحث «توحید بالمعنی الأخص» را نیز با همین عنوان (توحید) ذیل عنوان کلی توحید بیان داشته‌اند (رک: سیوری، ۱۴۲۲ق؛ شبر، ۱۴۲۴ق؛ سبحانی، ۱۴۲۵ق) که به لحاظ تبیینی و آموزشی، چندان مناسب نیست. البته این گزارش به معنای همسانی در تبویب مطالب نیست و تفاوت‌های جزئی فراوانی میان این آثار وجود دارد.

ایشان با در نظر گرفتن اصطلاح «توحید» در معنایی اعم از «یگانگی»، همه مباحث خداشناسی - یا بیشتر آنها بجز عدل - را ذیل این عنوان جای داده‌اند. ضیاء‌الدین جرجانی (ف. قرن ۹ق) می‌نویسد:

توحید آن است که بنده اعتقاد کند که پیدا کننده عالم یکی است، و موصوف است به صفات کمالیه، و عجز و نقصان را در او راه نیست (جرجانی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۳).

فیاض لاهیجی (ف. ۱۰۷۳ق) نیز در تبیین توحید بالمعنی الأعم آورده است: «مراد از توحید، اثبات ذات واجب الوجود متّصف به صفات کمال، منزّه از شریک و صفات نقص و زوال است» (لاهیجی، ۱۳۷۲، ص ۱۹). همچنین مرحوم کاشف الغطاء (ف. ۱۲۲۸ق) گفته است: «توحید به این معناست که دانسته شود خداوند متعال در ربوبیتش یگانه است، و در عبادت‌شدن شریک ندارد؛ و بحث از صفات ثبوتی و سلبی نیز از توابع همین بحث است» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۵ق، ص ۱۱). در وجه تسمیه مجموعه معارف خداشناسی به «توحید» (بالمعنی الأعم) نیز متکلمان امامیه مطالبی ابراز داشته‌اند.

فاضل مقداد در شرح *الفصول النصیریّه* محقق طوسی می‌نویسد:

محقق طوسی به دو دلیل، عنوان فصل اول را «توحید» قرار داد؛ با آنکه این فصل افزون بر «یگانگی»، مشتمل بر صفات سلبی و ثبوتی نیز هست:

یکم. این اقدام از باب نام‌گذاری شیء به نام شریف‌ترین جزء آن است؛ زیرا مسئله توحید، [اثبات] وجود واجب و صفاتی را که لازمه وجود و جوب هستند، مطالبه می‌کند. بنابراین، «توحید» شریف‌ترین مسئله اعتقادی است. دوم. آنچه در این فصل بحث و بررسی می‌شود، مستلزم کثرت [در ذات خدا] نیست، بلکه مستلزم نفی کثرت است؛ زیرا از نظر ما، خداوند صفتی زاید بر ذات ندارد. بنابراین، تمام مباحث این فصل، در حقیقت اثبات‌کننده وحدت مطلق خداوند است (سیوری، ۱۴۲۰ق، ص ۵۱).

شیخ طوسی نیز با بیان ملازمات علم به توحید آورده است:

علم به توحید کامل نمی‌شود، مگر با شناختن پنج چیز: شناخت راه‌های قابل استفاده برای معرفت خدای متعال؛ شناخت خدا با تمام صفاتش؛ شناخت چگونگی استحقاق خداوند نسبت به این صفات؛ شناخت آنچه درباره خداوند روا یا ناروا است؛ و شناخت اینکه او یگانه است و در قدمت، دومی ندارد (طوسی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۴).

بر این اساس، می‌توان گفت: متکلمان اگرچه «توحید» را در اصطلاحی اعم برای مجموعه مباحث خداشناسی به کار برده‌اند، اما به معنای خاص آن (یگانگی خداوند) نیز توجه داشته‌اند و این استعمال اعمی، از باب تسمیه کل به اسم جزء، و به انگیزه‌های متعددی همچون: «شرافت ماهوی مسئله توحید نسبت به سایر مسائل خداشناسی» (سیوری، ۱۴۲۰ق، ص ۵۱؛ خواجه شیرازی، ۱۳۷۵، ص ۷۷) و «علت غایی بودن توحید نسبت به دیگر مسائل خداشناسی (به لحاظ آموزشی و رفتاری)» بوده است.

معنای سوم توحید: یکتایی و بی‌همتایی خداوند

با تکامل تدریجی دانش کلام و تبویب موضوعات و مباحث گذشته، رویکرد جدیدی اتخاذ شد که بر اساس آن، مجموعه مباحث کلامی مربوط به خداشناسی، تحت عنوان «خدایابی»، «الهیات»، «معرفه الله»، «معرفه الله و صفاته الثبوتیه و السلبیه»، «اثبات الصانع و توحیده و احکام صفاته»، «اثبات الصانع تعالی و صفاته و آثاره» و ... مطرح گردید و غالباً از توحید، معنای اخصی اراده شد که تنها یکتایی و بی‌همتایی خداوند را شامل می‌شد. خواجه نصیرالدین طوسی (ف. ۶۷۲ق) در *تجريد الاعتقاد* و علامه حلی (ف. ۷۲۶ق) در شرح آن، تقریباً همه موضوعاتی را که در گذشته ذیل عنوان «توحید» مطرح می‌شد، تحت عنوان «فی اثبات الصانع» مطرح کردند و «توحید» (به معنای سوم) را جزو مبحث صفات خدا آوردند. قاضی عضدالدین ایجی (ف. ۷۵۶ق) در *المواقف*، تمام مباحث خداشناسی، نبوت، امامت و معاد را «الهیات» نامید و تنها یک بخش از موقف پنجم را به «توحید بالمعنی الاخص» اختصاص داد. *تفتازانی* (ف. ۷۹۳ق) نیز در شرح *المقاصد*، همه مباحث یادشده را تحت عنوان «الهیات» دسته‌بندی کرد (ر.ک: فهرست کتاب‌های مزبور). واضح است که این رویکرد، نظام‌مندی روشن‌تری دارد و به‌ویژه در تحقق اهداف آموزشی دانش کلام مفیدتر است. در ادامه این نوشتار نیز اصطلاح «توحید» به همین معنای اخص مد نظر قرار گرفته است.

مرحوم شبّر (ف. ۱۲۲۰ق) در تعریف «توحید بالمعنی الاخص» آورده است: توحیدی که اسلام با آن ثابت می‌شود چهار معنا دارد: توحید واجب الوجود، توحید آفریدگار جهان و تدبیرکننده نظام، توحید اله، توحید در آفرینش و رزق. گاهی نیز توحید بر معنای

دیگری اطلاق می‌شود که این معانی، شرط در اصل ایمان یا کمال ایمان هستند (شبر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۶ - ۳۹). همچنین مرحوم کاشف‌الغطاء (ف. ۱۲۲۸ ق) بیان داشته است: توحید به این معناست که دانسته شود خداوند متعال در ربوبیتش یگانه است، و در عبادت‌شدن شریک ندارد؛ و بحث از صفات ثبوتی و سلبی نیز از توابع همین بحث است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۵ق، ص ۱۱).

در این دو تعریف، «توحید» به برخی از مراتبش تعریف شده است و مشتمل بر تمام مراتب توحید نیست. منظور از «مراتب توحید»، حیثیت‌های متفاوتی است که نسبت به یگانگی خداوند لحاظ می‌شود، و گاه با عنوان «اقسام توحید» نیز مطرح می‌گردد (مصباح، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱). همچنین در تعریف‌های پیش‌گفته، معرفت توحیدی (توحید نظری) با قیدهایی نظیر اعتقاد، معرفت و تصدیق مطمح نظر قرار گرفته و به حیث عملی توحید (توحید عملی) توجهی نشده است. پس اگر بخواهیم تعریفی جامع ارائه دهیم که مشتمل بر دو حیث نظری و عملی توحید باشد ناگزیر از پیشنهاد تعریف دیگری هستیم. بنابراین، می‌توان گفت: در فضای مباحث کلامی، «توحید بالمعنی الاخص» عبارت است از: «اعتقاد به یکتایی خداوند در همه مراتب، و عمل به مقتضای این اعتقاد».

موقعیت طرح مبحث

کلام‌پژوهان امامی مذهب با اختصاص دادن حجم قابل توجهی از مباحث کلامی خود به مسئله «توحید»، مراتب توحید و مسائل مرتبط با آن را در دو موقعیت مطرح ساخته‌اند. تا حدود قرن ۱۲ بیشتر آنها مراتبی از توحید را در میان سایر صفات الهی آورده‌اند. برخی با تمایز نهادن میان صفات ثبوتی و سلبی، همه یا برخی از مراتب توحید را در زمره صفات سلبی قرار داده‌اند. ایشان نیز رویه یکسانی نداشته‌اند؛ برخی در ابتدای صفات سلبی، برخی در میانه و بعضی نیز در انتهای این دسته از صفات، مراتبی از توحید را بیان داشته‌اند.

اما از قرن ۱۳ تا دوره معاصر، این بخش از دانش کلام انضباط ساختاری بیشتری یافت. در بیشتر آثار این دوره، مباحث توحید در بای جدآگانه و در دو موقعیت سامان یافت: یا بعد از اثبات وجود خداوند و پیش از مباحث صفات؛ و یا بعد از مباحث صفات. در تألیفات تحت بررسی، مرحوم سید عبدالله شبر (ف. ۱۲۴۲ ق) برای نخستین بار، با تمایز نهادن میان توحید و دیگر صفات الهی، مراتب توحید را به تفصیل بیان کرد. این تفصیل به گونه‌ای است که شامل بسیاری از مراتب توحید نظری و توحید عملی (بجز عینیت صفات با ذات) می‌شود (شبر، ۱۴۲۴ق، ص ۲۶-۴۰). بنابراین، نوآوری ساختاری - محتوایی ایشان از دو جهت بوده است: متمایز ساختن مباحث توحید از دیگر صفات الهی؛ و مطرح نمودن مراتبی از توحید. پس از آن، در بسیاری از آثار، شاهد چنین تفکیکی هستیم.

باید به این نکته توجه داشت که سبک‌های ساختاری متکلمان در مبحث توحید، دارای تنوع و تفاوت گسترده‌ای است و آنان هیچ‌گاه سبک واحدی نداشته‌اند. از این رو، همچنان که در دوره معاصر ساختاربندی یکسانی وجود ندارد، در گذشته نیز تفاوت‌های فراوانی به چشم می‌خورد؛ از جمله تفکیک مباحث توحید (بجز عینیت صفات با ذات) از دیگر صفات در آثاری از شیخ مفید (ف. ۴۱۲ ق)، فیاض لاهیجی (ف. ۱۰۷۲ ق) و فیض کاشانی (ف. ۱۰۹۲) است (مفید، ۱۴۱۳ق، «ج»، ص ۵۱؛ همو، ۱۴۱۳ ق «ب»، ص ۳۹؛ لاهیجی، ۱۳۷۲، ص ۲۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق،

ج ۱، ص ۵۷). این درحالی است که تا قرن ۱۲ عموم متکلمان، چنین تفکیکی نداشتند. جالب توجه است که شیخ مفید، در ساختار بندی توحید، مشابه آنچه در قرون اخیر مطرح نظر قرار گرفته، پیش گام بوده است. ایشان اصطلاح توحید را بالمعنی الأخص استعمال کرده؛ مباحث توحید را از دیگر صفات الهی جدا ساخته؛ و صفات را به «ثبوتی» و «سلبی» تقسیم کرده است. حتی در *اوائل المقالات* - همانند برخی معاصران - توحید را قبل از صفات قرار داده است. در کتب امامیه، هریک از جانمایی‌های فوق الذکر مصادیقی دارد که تفصیل برخی از آنها در جدول آتی بیان شده است.

ثبوتی یا سلبی؟

نکته ساختاری دیگری که توجه شمار قابل توجهی از متکلمان امامیه را برانگیخته، ثبوتی یا سلبی بودن توحید و مراتب آن است. البته این نوع از تقسیم بندی صفات با عناوین دیگری نیز مطرح شده است؛ مانند «جلال و اکرام» (سیوری، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۵، ۱۹۵؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۵ق، ص ۱۵ - ۱۴)؛ و «ثبوتی و تنزیهی» (خواجگی شیرازی، ۱۳۷۵، ص ۸۳، ۹۴). شیخ مفید (ف. ۴۱۳ ق) توحید ذاتی واحدی را میان صفات ثبوتی و سلبی آورده و توحید ذاتی احدی را در زمره صفات سلبی قرار داده است (مفید، ۱۴۱۳ق - الف، ص ۳۰ - ۲۸). جز ایشان، در آثار تحت بررسی، تا قرن ششم توجهی به این نکته نشد؛ تا آنکه *ابوالحسن حلبی* (ف. قرن ۶ ق) در *إشارة السبق*، مجدداً وارد این بحث شد و صفات سلبی را به دو قسم تقسیم کرد: برخی صفات که لفظاً و معنأ سلبی هستند، مانند نفی رؤیت و نفی اتحاد؛ و برخی صفات که لفظاً ثبوتی و معنأ سلبی هستند، مانند غنی به معنای غیر محتاج، و واحد به معنی «لا ثانی له فی القدم» (حلبی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸؛ نیز ر.ک: محقق حلّی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵). پس از ایشان، بیشتر متکلمان، مراتبی از توحید - به‌ویژه «نفی ترکیب» - را صفتی سلبی دانسته‌اند. در جدول آتی، گزارش برخی از این مراتب ذکر شده است.

ماهیت صفت «توحید» و مراتب آن به گونه‌ای است که سبب شده درباره ثبوتی یا سلبی بودن مراتب توحید، دیدگاه‌های متفاوتی بیان شود؛ زیرا مراتب توحید با آنکه دارای یک معنای سلبی است، اما نوع تعبیر زبانی از آن، گاه به صورت منفی و گاه به صورت مثبت است. برای مثال، «توحید ذاتی واحدی» با دو تعبیر، قابل ابراز زبانی است: «واحدیت» و «نفی ثانی»؛ و یا «توحید ذاتی احدی» که می‌توان با «احدیت» و «نفی ترکیب» از آن یاد کرد. توحید صفاتی نیز با تعبیرهای «توحید در عینیت صفات با ذات» و «نفی معانی و احوال» قابل طرح است. همچنین است سایر مراتب توحید.

در مجموع، می‌توان گفت: متکلمان درباره ثبوتی یا سلبی دانستن مراتب توحید (و دیگر صفات الهی) از دو ملاک استفاده کرده‌اند. بسیاری از ایشان، صفاتی را سلبی قلمداد کرده‌اند که هم در معنای نقصی را از خداوند سلب کند و هم لفظ آن سلبی باشد. برخی دیگر، سلب در معنا را کافی دانسته‌اند؛ چه لفظ آن سلبی باشد و چه اثباتی. طبق ملاک اول، اگر در یادکرد از مراتب توحید، از یک عبارت سلبی استفاده شود، صفتی سلبی خواهد بود. برای مثال، «نفی ترکیب»، «نفی ثانی» و «نفی معانی» از صفات سلبی است؛ اما «احدیت»، «واحدیت» و «عینیت صفات با ذات» از صفات ثبوتی به شمار می‌آید. به همین لحاظ است که محقق طوسی (ف. ۶۷۲ ق)، *ابن میثم بحرانی* (ف. ۶۷۹ ق)، *شهید اول* (ف. ۷۸۶ ق) و *فاضل مقداد* (ف. ۸۷۶ ق) صفت «واحد» را در شمار صفات ثبوتی آورده‌اند (محقق طوسی،

۱۴۱۳ق، ص ۴۶؛ بحرانی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰؛ شهید اول، ۱۳۷۷، ص ۱۶؛ سیوری، ۱۴۲۲ق، ص ۲۰۳). اما بر اساس ملاک دوم، مراتب توحید حتی اگر با تعابیر اثباتی نیز مطرح شوند، صفاتی سلبی هستند؛ زیرا واضح است که مفهوم این مراتب، بر سلب نقص دلالت دارد (ر. ک: سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸).

به نظر می‌رسد ملاک دوم از اتقان بیشتری برخوردار است، و ضابطه دقیق‌تری در تقسیم صفات الهی به دست می‌دهد. این ملاک با عبور از تجمّد بر نوع تعبیر لفظی، به مفهوم صفات توجه کرده و معیار روشنی در تقسیم صفات ارائه کرده است. طبق ملاک اول، مفهوم یگانگی خداوند، اگر با تعبیری ثبوتی (واحد) بیان شود صفتی ثبوتی است، و اگر با تعبیری سلبی (نفی‌الثانی) ابراز گردد صفتی سلبی است! این درحالی است که اساس این تقسیم، یک چیدمان صرفاً لفظی نیست، بلکه راهبردی است تا آموزش صفات الهی و استدلال بر آن، با سهولت و اتقان بهتری میسر گردد؛ چنان که در برخی آثار، به مزایای این تقسیم‌بندی اشاره شده است (ر. ک: سیوری، ۱۴۲۰ق، ص ۷۲). البته بنابر مبنای «بازگشت صفات ثبوتی به صفات سلبی»، تعیین این ملاک پیچیدگی بیشتری خواهد داشت. با پذیرش این مبنا، محتوای تمام صفات، سلبی است (ر. ک: قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷۹؛ شبر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۲). در این صورت، ملاک تقسیم صفات به «ثبوتی» و «سلبی»، صرفاً اختلاف در تعبیر لفظی است (ر. ک: قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷۹). بر این اساس، در صفاتی - همچون مراتب توحید - که با دو تعبیر «نفی» و «اثباتی» قابل بحث هستند، جای این سؤال باقی می‌ماند که صفتی ثبوتی لحاظ شوند یا سلبی؟ هرچند اگر طبق این مبنا، تقسیم مزبور را صرفاً لفظی بدانیم، تدقیق در این مسئله از اهمیت چندانی برخوردار نخواهد بود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد حتی طبق مبنای مشهور نیز، که قابل به بازگشت صفات سلبی به صفات ثبوتی هستند (برای نمونه، ر. ک: مظفر، ۱۳۷۸، ص ۳۹) نتایج مشابهی قابل استنتاج است.

مراتب توحید

به لحاظ تقسیم‌بندی و بسط مراتب توحید، شاهد یک سیر تکاملی در کلام امامیه هستیم. تا اوایل قرن ۱۳ و تا قبل از *حق‌الیقین سید عبدالله شبر* (ف. ۱۲۴۲ ق) - که در ۱۲۲۶ ق تألیف شده - از میان مراتب توحید، عمدتاً به سه مرتبه بیشتر توجه می‌شده است: توحید ذاتی واحدی، توحید ذاتی احدی، و توحید در عینیت صفات با ذات؛ که مرتبه اخیر غالباً با عنوان «نفی المعانی و الأحوال» مطرح نظر بوده است. برخی نیز فقط یک یا دو مرتبه از این مراتب سه‌گانه را بیان داشته‌اند. لازم به ذکر است که در همین برهه (قبل از قرن ۱۳) برخی از متکلمان، به مراتب دیگری نیز به‌طور پراکنده اشاره کرده‌اند؛ مراتبی نظیر توحید در الوهیت، قدمت (ازلیت)، خالقیت، استحقاق عبادت (معبودیت)، و انحصار صفات در ذات. در جدول پیش‌رو، گزارش برخی از مهم‌ترین این مراتب بیان شده است.

از میان آثار تحت بررسی، کتاب *حق‌الیقین فی معرفه اصول الدین* مرحوم شبر، با بسط مراتب توحید، رویکرد نوینی در این زمینه ایجاد کرده است. ایشان در ابتدای فصل توحید، با الهام از روایت سؤال اعرابی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در جنگ جمل، دو معنا برای توحید برمی‌شمارد: عدم الجزئیه، و عدم الشریک (شبر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۳ - ۳۲). اما در ادامه بحث، به تفصیل، مراتب متنوعی از توحید را عنوان کرده است:

توحیدی که اسلام با آن ثابت می‌شود، چهار معنا دارد:

یک. توحید واجب الوجود: به این معنا که واجب الوجود هیچ شریکی در وجود و وجوب ندارد، دو. توحید آفریدگار جهان و تدبیرکننده نظام؛

سه. توحید اله [یعنی] فقط او استحقاق عبادت‌شدن دارد و نفی شریک از او در استحقاق عبودیت؛

چهار. توحید در آفرینش و رزق، که می‌توان این معنا را در قسم دوم نیز قرار داد.

گاه توحید بر معانی دیگری نیز اطلاق می‌شود که شرط در اصل یا کمال ایمان هستند؛ مانند: توحید در صفات و عینیت صفات و نفی مغایرت آنها؛ توحید در امر و نهی؛ توحید در مالکیت نفع و ضرر؛ توحید در توکل و اعتماد؛ توحید در محبت و مودت؛ و توحید در اعمال، به این معنا که برای غیر خدا کاری انجام ندهد (ر.ک: شبر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۶-۴۰، ۵۷-۶۰).

این روند در آثار بعدی نیز تداوم یافته و مؤلفانی همچون محمدجعفر استرآبادی (ف. ۱۲۶۳ ق)، ملا اسماعیل اسفراینی (ف. ۱۲۸۸ ق) و محمدرضا مظفر (ف. ۱۳۸۳ ق) نیز مراتب توحید را به سیاق خاص خود - و نه همسان با دیگران - تفصیل داده‌اند (ر.ک: استرآبادی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۲ - ۱۷؛ اسفراینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۹ - ۱۲۷؛ مظفر، ۱۳۷۸، ص ۳۷، ۳۹). تقسیم‌بندی مراتب توحید، که امروزه در کتب کلامی شیعه رایج است، شباهت زیادی به آثار مرحوم شبر و این سه متکلم گران قدر دارد.

می‌توان گفت: آنچه امروزه در کتب کلامی به عنوان شاخه‌های اصلی در مراتب توحید مطرح است عبارت است از: توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی و توحید عبادی. گذشته از این روند مشهور و رایج، برخی از معاصران مجموعه مراتب توحید را به دو دسته «نظری» و «عملی» نیز تقسیم نموده و اقسام متعددی برای هریک برشمرده‌اند (مطهری، ۱۳۸۹ ب، ج ۲، ص ۱۰۴، ۱۲۲-۱۳۱؛ همو، ۱۳۸۹ الف، ج ۲۶، ص ۹۷؛ خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۴ - ۵۳؛ سعیدی‌مهر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷۴).

در جدول ذیل، گزارش برخی از مهم‌ترین آثار کلامی امامیه در زمینه موقعیت مبحث توحید، مراتب توحید و قضاوت درباره ثبوتی یا سلبی بودن آن درج گردیده است. در این جدول، که بر اساس سیر تاریخی آثار تنظیم گردیده، تلاش شده است تا حد ممکن اختصار رعایت شود، و در عین حال، این اختصار مستلزم ایجاز مخل هم نباشد. مراد از «توحید» در این جدول، «توحید بالمعنی الأخص» (یگانگی) است. در ستون «مراتب توحید»، مراتبی که در کمانک ذکر شده، بدین معناست که عین این عبارت در کلام مصنف نیامده، و برداشت نگارنده از مجموع بیانات مؤلف منعکس شده است. همچنین علامت « - » برای جداکردن دو مرتبه متفاوت، و علامت « / » برای بیان عبارت اخرای یک مرتبه استفاده شده است. پرکردن بخش «ثبوتی / سلبی» نیز در صورتی بوده که مؤلف به این ویژگی تصریح کرده است. با توجه به این توضیحات، جدول ذیل، تکمیل‌کننده بسیاری از مطالبی است که در این نوشتار با قدری اجمال و بدون آدرس‌دهی بیان گردیده است:

متکلم / سال وفات (ق)	اثر کلامی	تمایز از بحث صفت	موقعیت	مراتب بحث	ثبوتی / سلبی
شیخ صدوق (۳۸۶)	الإعتقادات (ص ۲۲ - ۲۱)	غیر متمایز	میان صفات دیگر	واحد - أحد - متعال عن جميع صفات خلقه - لا تد و لا ضد و لا شبه و لا صاحبة و لا مثل و لا نظیر و لا شریک - خالق کل شیء - لا إله إلا هو - له الخلق والأمر	-
ابراهیم بن نوبخت (قرن ۴)	الباقوت (ص ۴۰، ۴۲)	غیر متمایز	میان صفات دیگر	واحد - (نفی المعانی) - لیس له وصف زائد علی ذاته	-
شیخ مفید (۴۱۳)	اوائل المقالات (ص ۵۲ - ۵۱)	متمایز / غیر متمایز	قبل از صفات / ابتدای صفات	إن الله واحد في الإلهية والأولية - لا يشبهه شيء - فرد في المعبودية (نفی المعانی و الأحوال)	-
سید مرتضی (۴۳۶)	جمل العلم والعمل (ص ۳۱ - ۳۰)	غیر متمایز	میان و آخر صفات دیگر	وجوب هذه الصفات نفسية (لا لمان قديمة) - واحد لا ثاني له في القدم	-
ابوالصلاح حلبی (۴۴۷)	تقريب المعارف (ص ۸۶، ۸۸)	غیر متمایز	میان صفات دیگر	نفی الصفات الزائدة عنه - واحد لا ثاني له في القدم و الإختصاص بما ذكرناه من الصفات النفسية	-
شیخ طوسی (۴۶۰)	المقائد الجعفرية (ص ۲۴۶)	غیر متمایز	میان صفات دیگر	واحد بمعنى لا شريك له في الأوهية - غير مركب - منفى عنه المعنى و الصفات الزائدة	-
ابوالحسن حلبی (قرن ۶)	إشارة السبق (ص ۱۸)	غیر متمایز	آخرین بحث خدائشناسی	واحد لا ثاني له في القدم	سلبی (از نوع؛ لفظه و ثبوتی و معناه سلبی)
حمصی رازی (اوایل قرن ۷)	المتقذ من التقليد (ج ۱، ص ۱۳۱)	غیر متمایز	آخرین صفت	واحد لا ثاني له؛ بمعنى: توحيد در استحقاق عبادت، توحيد در نفی شريك در صفات ذاتی، عدم تجزى و تبعض، توحيد در قدمت (نفی معانی)	-
محقق طوسی (۶۷۳)	كشف المراد (ص ۳۰۱ - ۲۹۰)	غیر متمایز	میان صفات	نفی الزائد و الشريك و المثل و التركيب بمعانيه و الضد و المعانی و الأحوال و الصفات الزائدة عیناً	-
ابن میثم بحرانی (۶۷۹)	قواعد المرام (ص ۱۰۱ - ۱۰۰)	غیر متمایز	آخر صفات ثبوتی	(۱) واحد - (۲) لا شيء من الصفات المعترية له زائدة علی ذاته	(۱)؛ ثبوتی
علامه حلبی (۷۲۶)	نهاية المرام (ج ۱، ص ۱۰۱ - ۹۹)	غیر متمایز	در بحث «خواص الواجب لذاته»	بسيط لا يتركب عن غيره - لا يتركب عنه غيره - لا يكون وجوده زائداً عليه - لا يكون وجوده زائداً عليه - لا يكون مشتركاً بين اثنين	-
فاضل مقداد (۸۷۶)	الإعتقاد في شرح واجب الإعتقاد (ص ۶۸، ۶۵)	غیر متمایز	ابتدا و میان صفات	واحد (الواحد هو المتفرد بصفات ذاتية لا يشاركه فيها غيره، و هي: وجوب الوجود، و القدم، و إيجاد الخلق، و استحقاق العبادة) - غير مركب عن شيء	-
فیاض لاهیجی (۱۰۷۳)	گوهر مراد (ص ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۱)	غیر متمایز	خواص واجب الوجود / قبل از اثبات واجب	با ترکیب جمع نشود - چیزی مرکب از واجب الوجود نتواند بود - وجوب وجود متحقق نتواند بود، مگر در ضمن فرد واحد. پس هیچ چیز شریک واجب الوجود نتواند بود، نه در ذات و نه در صفت و وجوب	سلبی
			ویژگی صفات حقیقه	عینیت صفات واجب تعالی	-
ملا مهدی نراقی (۱۲۰۹)	جامع الأفكار (ج ۲، ص ۵۱۹ - ۵۹۰)	غیر متمایز	ابتدای صفات سلبی	الأحدیه / نفی التركيب: الف. مع الذات / توحيد في أصل وجوده؛ ب. بعد الذات / عينية صفاته الكمالية لذاته؛ ج. قبل الذات / تركب الذات و الماهية من الأجزاء الواحديه / نفی الشريك له في شيء من المعانی و المفهومات بالحقیقة / توحده في وجوب وجوده	سلبی

-	عدم الجزئیة - عدم الشریک	ابتدای فصل توحید			
-	التوحید الذی یتبث به الإسلام: توحید واجب الوجود بأن یکون واجب الوجود لا شریک له فی وجوه و وجوده - توحید صانع العالم و مدبر النظام - توحید الإله: و هو المستحق للعبادة و نفی الشریک عنه فی استحقاق العبودية - التوحید فی الخلق و الرزق؛ و یمکن إدخاله فی التائی. و قد یطلق التوحید علی معان أخر هی شرط فی أصل الإیمان أو کماله، منها: التوحید فی الصفات و عبئتها و نفی مغایرتها - التوحید فی الأمر و النهی - التوحید فی مالکیة النفع و الضرر - التوحید فی التوکل و الإعتماد - التوحید فی المحبة و المودة - التوحید فی الأعمال بأن لا یعمل لغير وجه الله	اتهای فصل توحید	متمایز	حق البقین (ص ۳۲، ۴۰-۳۶-۶۰-۵۷)	عبدالله شبر (۱۳۴۲)
-	(صفاته الکمالیه عین ذاته)	ویژگی صفات کمالیه	غیر متمایز		
سلبی	۱. لا شریک له - ۳. لیس بمرکب - ۹. لا یشبه شیئا	اوایل صفات سلبی			
-	فی الذات: واحد فی ذاته و وجوب وجوده - فی الصفات: الف. صفاته عین ذاته؛ ب. لا شبه له فی صفاته الذاتیه (الفعلیه) - فی العبادة: لا تجوز عبادة غیره بوجه من الوجوه	توحید	متمایز	عقائد الإمامیه (ص ۳۹، ۲۷)	محمد رضا مظفر (۱۳۸۳)
-	نظری: الف. ذاتی؛ ب. صفاتی / یگانگی عینی ذات با صفات و یگانگی صفات با یکدیگر / نفی هر گونه کثرت و ترکیب از خود ذات؛ ج. افعالی - عملی: در عبادت	توحید	متمایز	مجموعه آثار (ج ۲، ص ۱۰۳)	مرتضی مطهری (۱۳۹۹)
سلبی	لیس بمرکب - لا یکون له کفو، و لا شریک	اتهای صفات سلبی	غیر متمایز		
-	نظری: الف. ذاتی / واحد لا ثانی له؛ ب. صفاتی / ذاته عین صفاته و کل صفة عین الصفة الأخری من الصفات الثبوتیه الذاتیه الکمالیه، و سبغیه من المصنّف أنه لا شبه له فی صفاته الذاتیه؛ ج. افعالی، و یشمل التوحید فی الخالقیه و الربوبیه و الرزاقیه و نحوها من مظاهر الأفعال؛ د. تشریعی - عملی: الف. عبادی و اطاعی؛ ب. استعنائی؛ ج. حی	توحید (بعد از صفات)	متمایز	بدایة المعارف (ج ۱، ص ۴۵-۵۴-۵۳)	سید محسن خرازی
-	ذاتی: الف. واحد لیس له نظیر و لا مثل / لا ثانی له؛ ب. احد / بسیط لا جزء له خارجاً و لا ذهاً - در صفات / عبئیت صفات با ذات - در خالقیت - در ربوبیت: الف. در حاکمیت؛ ب. در تشریع؛ ج. در عبادت؛ د. در شفاعت و مغفرت و -	ابتدای صفات سلبی	غیر متمایز	الإلهیات علی هدی (ج ۲، ص ۱۰۵-۱۱)	جعفر سبحانی
-	نفی تعدد / واحدیت - نفی ترکیب / احدیت - نفی صفات زاید بر ذات / صفات - افعالی / نتیجه: در الوهیت - در تأثیر استقلال / نتیجه: در استنانت	توحید (بعد از صفات)	متمایز	آموزش عقاید (ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳)	محمد تقی مصباح یزدی
-	ذاتی: الف. در بی نیازی از علت، همنا و شریک ندارد. ب. هیچ کثرت و تعددی در ذات الهی راه ندارد - صفاتی: الف. در صفات خود بی همناست. ب. صفات کمال و ذاتی عین ذات اویند - در خالقیت - در ربوبیت: الف. در تشریع؛ ب. در حاکمیت؛ ج. در اطاعت - در عبادت	توحید (قبل از صفات)	متمایز	عقاید استدلالی (ج ۱، ص ۹۱-۶۸)	علی ربانی گلپایگانی (۱۵۸-۱۵۹)
سلبی	نفی شریک و مثل - نفی ترکیب در ذات - نفی صفات زاید بر ذات	صفات سلبی	غیر متمایز		
-	نظری: الف. ذاتی: الف(۱) توحید احدی؛ الف(۲) توحید واحدی؛ ب. صفاتی: ب(۱) بین ذات و صفات ذاتی ثبوتی و بین این صفات وحدت خارجی برقرار است؛ ب(۲) بی همناست خداندر اوصافش؛ ج. افعالی: ج(۱) در خالقیت؛ ج(۲) در تشریع؛ ج(۳) در ربوبیت؛ ج(۴) در تشریع / تقنین، و حاکمیت؛ ج(۵) در الوهیت - عملی: الف. در عبادت؛ ب. در استنانت؛ ج. در اطاعت؛ د. در محبت؛ ه. در توکل	توحید (قبل از صفات)	متمایز	آموزش کلام اسلامی (ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۴)	محمد سعیدی مهر
سلبی	نفی ترکیب - نفی صفات زاید بر ذات	صفات سلبی	غیر متمایز		

تقسیم‌بندی پیشنهادی

گفته شد که تا قرن ۱۲ قمری، متکلمان والامقام شیعه معمولاً به ذکر یک تا سه مرتبه از توحید اکتفا نموده، و همین مراتب

را نیز - به طور نامتمایز - در میان سایر صفات الهی گنجانده‌اند. بدین‌روی، در این مقطع طولانی، تنظیم مشخصی از مراتب توحید رخ نداده است. اما در دو سده اخیر، نوآوری‌های محتوایی و ساختاری در زمینه مراتب توحید، قابل توجه است و هریک از کلام‌پژوهان به سهم خود، دقایق و ظرایفی از این مبحث شریف را پژوهیده‌اند، که تبیین و بررسی هریک از آنها مجال دیگری می‌طلبد. با وجود این، هنوز هم یک ساختار منسجم و منطبق بر معیارهای منطقی تقسیم، که دربردارنده جنبه‌های گوناگون توحید باشد، به بار ننشسته است. علت این امر را باید در میان عوامل ذیل جست‌وجو کرد:

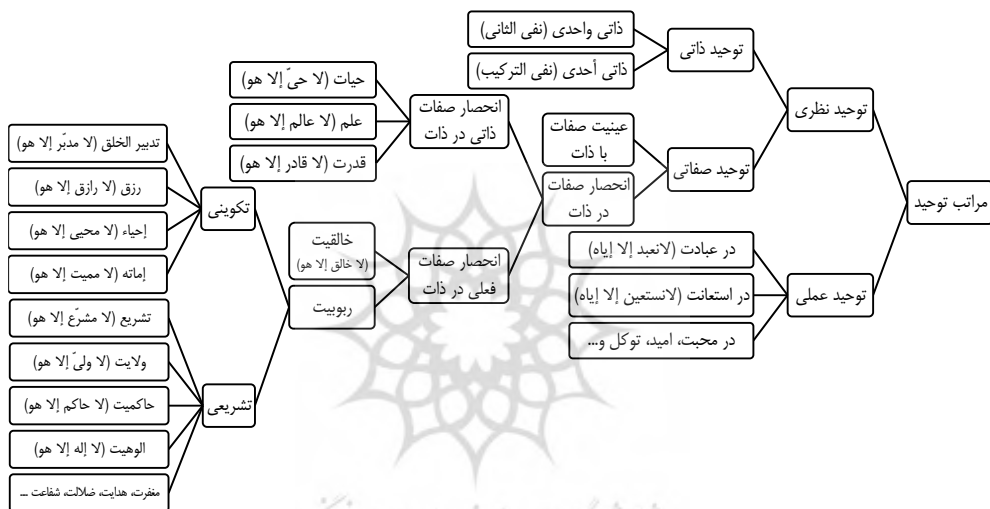
الف. اساساً متکلمان (به‌ویژه تا قبل از دو سده اخیر) بنایی بر احصای مراتب گوناگون توحید نداشته‌اند، بلکه با رویکردی دفاعی - تبیینی به اندیشه‌های رقیب و یا چالش‌های اعتقادی معاصر با زمانه خود توجه بیشتری کرده‌اند. به نمونه‌ای از این سبک انتخاب مبحث در یکی از آثار *آیه‌الله سبحانی* تصریح شده است. ایشان پس از بررسی برخی از انواع توحید افعالی، در بخشی که به «توحید در شفاعت و مغفرت» اختصاص دارد، به تبیین منظور از «توحید افعالی» پرداخته، در ادامه می‌نویسد:

ما در اینجا فقط «شفاعت» و «مغفرت» را به‌صورت ویژه بیان کردیم؛ زیرا شرک در آن دو، در میان مشرکان دوران پیامبر ﷺ رخ داده است، چنان که گروه‌هایی از مسیحیان در زمینه مغفرت، مشرک‌اند. این دو گروه (مشرکان و برخی مسیحیان) حق شفاعت را به بعضی از بندگان خدای سبحان تفویض نموده و خداوند را از حق و مقامش معزول داشته‌اند (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۰۶ - ۱۰۵).

به همین لحاظ است که در گذشته، بحث در «نفی معانی و احوال» و «نفی ثانی» بیشترین حجم مباحث توحیدی را دربرداشت؛ ولی امروزه ضمن توسعه یافتن مراتب توحید (در راستای اهداف آموزشی و تبیینی)، شاخه‌های توحید عملی - به‌ویژه توحید عبادی - وجهه همت متکلمان امامی شده است تا کلام امامیه بتواند در مصاف با اندیشه‌های سلفی، از معتقدات شیعه دفاع کند.

ب. عامل دیگر، گستردگی جنبه‌های متنوع توحید است. گستردگی اسماء حسنا و صفات علیای خداوند متعال (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۳۵۶) ذهن بشری را نسبت به احصای ابعاد آن عاجز ساخته است. برای مثال، در مباحث توحید افعالی، انحصار صفات فعلی خداوند تبیین و تأکید شده است. در این زمینه، تنها برخی از شاخه‌های توحید افعالی، نظیر خالقیت، ربوبیت و الوهیت، و گاه برخی از زیرشاخه‌های توحید ربوبی، مانند حاکمیت، تشریح و عبادت مطرح می‌شود. این در حالی است که صفات فعلی خداوند بیش از اینهاست و مسائلی همچون رازقیت، هدایت، مغفرت، شفاعت، اماتة، احیاء و مانند آن چندان در تقسیم مراتب لحاظ نمی‌شود. حتی درباره توحید ذاتی واحدی (نفی ثانی) جهت‌های گوناگونی توسط متکلمان مطرح شده است؛ مثلاً، شیخ صدوق گفته است: «واحد ... لا ندّ و لا ضد و لا شبه و لا صاحبه و لا مثل و لا نظیر و لا شریک» (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲)، که هریک از این واژگان می‌تواند حیثی خاص از وحدت را بنمایاند (ر.ک: حسینی تهرانی، ۱۳۶۵، ص ۴۷۷). در توحید عملی، این نقیصه ساختاری نمود برجسته‌تری دارد و پردازش زیرشاخه‌های توحید عملی و مسائل مرتبط با هریک نیاز به واکاوی بیشتری دارد.

در اثر عوامل مزبور، حتی در آثار کلامی معاصر، کمتر شاهد یک نظام منسجم جامع، مانع و منطقی از مراتب توحید هستیم. هرچند روند تکاملی ساختار مراتب توحید در دو قرن اخیر، بسیار بالنده و قابل تقدیر بوده، اما همچنان رویکرد دفاعی متکلمان و اهتمام به طرح مسائلی که آماج حمله قرار گرفته، نواقصی را در ساختار بندی مراتب توحید بر جای گذاشته است. با توجه به این نکات، نگارنده معتقد است موفقیت این روند - چه در مسئله توحید و چه در سایر مباحث کلامی - در سایه هم‌افزایی میان دو رویکرد آموزشی و دفاعی است. متکلم با لحاظ هماهنگ این دو جهت، از یک‌سو، باید تلاش کند تا ابعاد گوناگون بحث مزبور را در یک قالب جامع، منطقی و قابل انتقال به فراگیران تنظیم نماید؛ و از سوی دیگر، در آموزه‌های محل مناقشه با دگراندیشان، به بسط بیشتر مباحث و پاسخ به شبهات بپردازد، و از تورم غیر قابل توجیه در مسائل کم‌بازده پرهیز کند. بدین منظور، ساختار پیشنهادی مراتب توحید، می‌تواند در چنین قالبی تنظیم شود:



برخی از مزایای ساختار پیشنهادی

در این ساختار جدید، همان مراتب توحید، که در ادوار گوناگون، مطمح نظر متکلمان امامیه بوده، در تقسیمی منسجم‌تر ارائه شده است. همراهی با اصطلاحات کلامی رایج و پرهیز حداکثری از ساختار شکنی و اصطلاح‌سازی بی‌دلیل، دقت هرچه بیشتر در انتخاب عناوین، تعیین عبارت عربی معادل به‌منظور مقایسه بهتر مراتب مشابه، تفکیک مراتب نظری و عملی، و اشاره به برخی مراتب غیر مشهور، از جمله ویژگی‌های این تقسیم است.

یکی از ویژگی‌های این تقسیم، توجه به «توحید در انحصار صفات در ذات» است. منظور از این مرتبه توحیدی آن است که خداوند در هریک از صفات خویش، یگانه و بی‌همتا است. این یگانگی در برخی اوصاف، به گونه‌ای است که اساساً معنای آن صفت به هیچ حیث و اعتباری بر غیر خداوند صدق نمی‌کند، مانند ألوهیت؛ و یا آنکه هرچند مرتبه‌ای از مراتب صفت در غیر خدا نیز محقق است، ولی صفت مزبور در خداوند به صورت مطلق، نامحدود و نامتناهی است، و در غیر او به نحو مقید و محدود به قیود و حدود امکانی وجود دارد، مانند قدرت و علم.

این مرتبه از توحید در آیات متعددی از قرآن مطرح شده (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۴۴ - ۲۳۹) و تعداد قابل توجهی از متکلمان نیز این مرتبه را در آثار خود آورده‌اند. برخی از متکلمان انحصار صفات در ذات را بیان داشته‌اند. علامه مجلسی آورده است: «شبییه و نظیری ندارد که در حقیقت ذات و کنه صفات با او شریک باشد» (مجلسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲). ملامهدی نراقی با تأکید بیشتری این مرتبه را ذکر کرده است: نفی حقیقی شریک از او در هرگونه معنا و مفهومی (نراقی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۵۹۱). مرحوم مظفر برای توحید صفاتی دو معنا ذکر کرده است. معنای اول «عینیت صفات با ذات» است، و معنای دوم «نفی شبیه در صفات ذاتی». اما در برشماری مثال، بعد از ذکر چند صفت ذاتی، تعدادی از صفات فعلی را نیز بیان نموده و در پایان تصریح کرده است که خداوند در هیچ کمالی ند (نظیر و شبیه) ندارد (مظفر، ۱۳۷۸، ص ۳۷). شارح عبارت مرحوم مظفر نیز ضمن تأیید این شمول، تصریح می‌کند: «نفی نظیر و شبیه اختصاص به ذات و صفات ذاتی ندارد، بلکه خداوند هیچ نظیری در صفات فعلی - همچون خلق و رزق - ندارد» (خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۴). برخی دیگر از معاصران نیز این مرتبه توحیدی را بر تمام صفات الهی تطبیق داده‌اند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۷۳؛ سعیدی مهر، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۲۶). با دقت در اسامی اشخاصی که این عبارات منسوب به آنهاست، روشن می‌شود که این مرتبه مهم از توحید در برهه‌های گوناگون تاریخی، توجه برخی از متکلمان را برانگیخته است. بدین لحاظ، در تقسیم‌بندی پیشنهادی به این عنوان توجه شده است.

مهم‌تر از نکته فوق، آن است که عنوان مشهور «توحید افعالی»، که در قرون اخیر کاربرد فراوانی داشته، عنوانی است که می‌توان آن را بدین صورت بیان کرد: «توحید در انحصار صفات فعلی در خداوند». در تقسیم‌بندی پیشنهادی، با درج عنوانی عام، که شامل هر دو قسم صفات ذاتی و صفات فعلی می‌شود (توحید در انحصار صفات در ذات)، به نحوی منظم و منطقی، انحصار این دو نوع صفت در ذات خداوند تجمیع شده، و توحید افعالی (توحید در انحصار صفات فعلی) به عنوان یکی از اقسام آن لحاظ شده است.

نتیجه‌گیری

- اصطلاح کلامی «توحید»، دست کم در سه معنا به کار رفته است: عقاید بنیادین اسلام؛ خداشناسی؛ یگانگی خداوند.
- ساختار مباحث توحید در کلام امامیه در قالب دو تقسیم‌بندی کلی قابل بررسی است: یک. مراتب گوناگون توحید؛ دو. ثبوتی یا سلبی بودن.
- این ساختار بندی، در سیر تاریخی کلام امامیه، روندی تکاملی پیموده است. در این میان، شیخ مفید و مرحوم شبر جایگاه ویژه‌ای دارند.
- قضاوت متکلمان امامیه درباره ثبوتی یا سلبی بودن مراتب توحید، بستگی به نوع ملاک ایشان در ثبوتی و سلبی دانستن صفات الهی دارد، و در این زمینه، نظرات گوناگونی ابراز شده است.
- ساختار مراتب توحید، به‌رغم تکامل نسبی، همچنان نیازمند بازبینی و ترمیم است. در ساختار پیشنهادی نگارنده، مواردی از این ترمیم مطرح شده است.

- انبیس، ابراهیم و دیگران، بی‌تا، *المعجم الوسیط*، چ دوم، تهران، ناصر خسرو.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱ق، *المحکم و المحيط الأعظم*، تحقیق عبدالحمید هندادی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن عباد، اسماعیل، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، تحقیق محمدحسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتاب.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منده، محمدبن اسحاق، ۱۴۳۳ق، *التوحید و معرفة أسماء الله عزوجل و صفاته علی الاطلاق و الثبوت*، تحقیق علی محمدناصر فقیهی، مدینه، مکتبه العلوم و الحکم.
- ابن نوبخت، ابواسحاق ابراهیم، ۱۴۱۳ق، *الباقوت فی علم الکلام*، تحقیق علی اکبر ضیائی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ازهری، محمدبن حمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- استرآبادی، رضی‌الدین محمدبن حسن، ۱۴۰۲ق، *شرح شافیه ابن حاجب*، تحقیق محمد نور الحسن، محمد الزفراف و محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- استرآبادی، محمدجعفر بن سیف‌الدین، ۱۳۸۲، *البراهین القاطعه فی شرح تجرید العقائد الساطعه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- اسفراینی، ملا اسماعیل بن قربان علی، ۱۳۸۳، *انوار العرفان*، تحقیق سعید نظری، قم، دفتر نشر اسلامی.
- اشعری، علی بن اسماعیل، ۱۴۰۰ق، *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین*، چ سوم، آلمان - ویسبادن، فرانس شتاینر.
- آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۹۱، *فرهنگ معاصر عربی - فارسی، بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس روز*، ویراست ۲، چ شانزدهم، تهران، نشر نی.
- بحرانی، ابن میثم، ۱۴۰۶ق، *قواعد المرام فی علم الکلام*، تحقیق سیداحمد حسینی، چ دوم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- تفتازانی، سعدالدین، ۱۴۰۹ق، *شرح المقاصد*، تحقیق عبدالرحمن عمیره، قم، شریف رضی.
- تهانوی، محمدعلی، ۱۹۹۶م، *موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم*، تحقیق علی دحروج، بیروت، مکتبه لبنان الناشرین.
- جرجانی، ضیاء‌الدین، ۱۳۷۵، *رساله عقاید مذهب شیعه*، در: *رسائل فارسی جرجانی*، تصحیح معصومه نورمحمدی، تهران، میراث مکتوب.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳، *توحید در قرآن*، در: *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، تنظیم حیدرعلی ایوبی، چ هفتم، قم، اسراء.
- حسینی تهرانی، سیدهاشم، ۱۳۶۵، *توضیح المراد*، چ سوم، تهران، مفید.
- حلبی، ابوالحسن، ۱۴۱۴ق، *اشاره السبق*، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، دفتر نشر اسلامی.
- حلبی، ابوالصلاح، ۱۴۰۴ق، *تقریب المعارف*، تحقیق رضا استادی، قم، الهادی.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، چ چهارم، قم، دفتر نشر اسلامی.
- حمصی رازی، سدیدالدین، ۱۴۱۲ق، *المنقذ من التقليد*، قم، دفتر نشر اسلامی.
- خاتمی، احمد، ۱۳۷۰، *فرهنگ علم کلام*، تهران، صبا.
- خداپرستی، فرج‌الله، ۱۳۷۶، *فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی*، شیراز، دانشنامه فارس.
- خزازی، سیدمحسن، ۱۴۱۷ق، *بداية المعارف الإلهية فی شرح عقائد الإمامیه*، چ چهارم، قم، دفتر نشر اسلامی.
- خواجگی شیرازی، محمدبن احمد، ۱۳۷۵، *النظامیه فی مذهب الإمامیه*، تصحیح و تعلیق علی اوجبی، تهران، میراث مکتوب.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۳، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران.
- ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۴، *عقاید استدلالی (۱)*، قم، سنابل.
- زبیدی حسینی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج المروس من جواهر القاموس*، تحقیق علی هلالی و علی سبیری، بیروت، دار الفکر.
- سبحانی، جعفر، ۱۴۱۲ق، *الإلهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل*، چ سوم، قم، المؤتمر العالمی للدراسات الإسلامیه.
- _____، ۱۴۲۵ق، رساله «الشیعیه الإمامیه الإتناعشریه»، در: *رسائل و مقالات*، چ دوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سعیدی مهر، محمد، ۱۳۹۲، *آموزش کلام اسلامی*، ویراست جدید، چ چهاردهم، قم، کتاب طه.
- سیوری حلی، مقدادبن عبدالله، ۱۴۰۵ق، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین*، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- _____، ۱۴۲۰ق، *الأورار الجلالیه فی شرح الفصول النصیریة*، تحقیق علی حاجی آبادی و عباس جلالی نیا، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
- _____، ۱۴۲۲ق، *اللوامع الإلهیه فی المباحث الکلامیه*، تحقیق سیدمحمدعلی قاضی طباطبائی، چ دوم، قم، دفتر نشر اسلامی.

- شیر، سید عبدالله، ۱۴۲۴ق، *حق الیقین فی معرفة اصول الدین*، ج دوم، قم، انوار الهدی.
- شریف مرتضی، علی بن الحسین، ۱۳۸۷ق، *جمل العلم والعمل*، نجف، مطبعة الآداب.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۸ق، *التوحید*، تحقیق هاشم حسینی، قم، دفتر نشر اسلامی.
- ، ۱۴۱۴ق، *الإعتقادات*، ج دوم، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج دوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طوسی، نصیر الدین، ۱۴۱۳ق، *قواعد العقائد*، تحقیق و تعلیق علی حسن خازم، لبنان، دار الفریة.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۶ق، *الإقتصاد فیما یتعلق بالإعتقاد*، ج دوم، بیروت، دار الأضواء.
- ، ۱۴۱۱ق، *العقائد الجعفریة*، در: *جواهر الفقه*، تصحیح ابراهیم بهادری، قم، مکتبه النشر الاسلامی.
- ، ۱۴۱۴ق، *رسالة فی الإعتقادات*، در: *الرسائل العشر*، ج دوم، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ فارسی عمید*، ویرایش عزیزالله علیزاده، تهران، راه رشد.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ق، *التاموس المحيط*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، ۱۴۱۸ق، *علم الیقین فی معرفة اصول الدین*، تحقیق و تصحیح محسن بیدارفر، قم، بیدار.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، ج دوم، قم، دار الهجرة.
- قاضی عبدالجبار، ابوالحسن بن احمد، ۱۴۲۲ق، *شرح الأصول الخمسة*، تعلیق احمد بن حسین ابی هاشم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ، ۱۹۸۶م، *المجموع فی المحيط بالتکلیف*، بیروت، دار المشرق.
- قمی، قاضی سعید، ۱۴۱۵ق، *شرح توحید الصدوق*، تصحیح و تعلیق نجفقلی حبیبی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، ۱۴۲۵ق، *العقائد الجعفریة*، تحقیق سید مهدی شمس الدین، ج سوم، قم، انصاریان.
- کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ۱۳۸۴، *الطراز الأول والکنز لما علیه من لغة العرب الممول*، مشهد، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- لاهیجی، عبدالرزاق، ۱۳۷۲، *سرمایه ایمان*، در: *اصول اعتقادات*، تصحیح صادق لاریجانی، ج سوم، تهران، الزهراء.
- ، ۱۳۸۳، *گوهر مراد*، تهران، سایه.
- ماتریدی، محمد بن محمد، ۱۴۲۷ق، *التوحید*، تحقیق فتح الله خلیف، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد باقر، بی تا، *حق الیقین*، بی جا، اسلامیه.
- محقق حلی، جعفر بن الحسن، ۱۴۱۴ق، *المسلك فی اصول الدین*، تحقیق رضا اسنادی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه.
- مصباح، محمد تقی، ۱۳۷۸، *آموزش عقاید*، ج دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مکی عاملی، شمس الدین محمد بن محمد بن (شهید اول)، ۱۳۷۷، *المسائل الاربعینیة*، در: *میراث اسلامی ایران*، دفتر نهم، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹ الف، *آشنایی با قرآن*، در: *مجموعه آثار*، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ، ۱۳۸۹ ب، *جهان بینی توحیدی*، در: *مجموعه آثار*، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- مظفر، محمد رضا، ۱۳۷۸، *عقائد الإمامیه*، تحقیق حامد حنفی، ج دوازدهم، قم، انصاریان.
- معین، محمد، ۱۳۸۶، *فرهنگ فارسی معین*، به اهتمام عزیزالله علیزاده و محمود نامنی، ج دوم، تهران، نامن.
- مغنیسوسی، ابوالمنتهی، ۱۹۸۰م، *الرسائل السبعة فی العقائد*، شرح الفقه الاکبر، حیدرآباد، دکن.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق - الف، *التکاتب الاعتقادیة*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
- ، ۱۴۱۳ق - ب، *التکاتب فی مقدمات الأصول*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
- ، ۱۴۱۳ق - ج، *أوائل المقالات فی المذهب والمختارات*، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
- نراقی، مهدی بن ابی ذر، ۱۴۲۳ق، *جامع الأفكار وناقد الأنظار*، تصحیح مجید هادی زاده، تهران، حکمت.
- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، ۱۳۹۲، *شرح النظام علی الشافعیة*، تحقیق محمد زکی جعفری، قم، دار الحجة.